

حقیقت سلوک الی اللہ

کونیزاد



سید محمد جواد وزیرے فرد

فهرست

مقدمه	۱
توجه به جایگاه انسان در میان موجودات	۴
جمع نشدن دلبستگی به دنیا با اشتغال به آخرت	۷
رفع مانع، اولین پله نردبان کمال	۱۰
معنای زهد	۱۴
گونه‌های زهد	۱۵
زهد للدنیا	۱۵
زهد من الدنیا	۱۶
زهد فی الدنیا	۱۶
رابطه زهد و دنیا	۲۰
رابطه تلاش انسان با موفقیت	۲۲
زهد، بزرگترین کمال انسانی	۲۵

۲۹	زهد، مقدمه تحقق ملکات عالیّه
۳۵	زهد، مقدمه همه کمالات
۳۸	ضرورت زهد در مسیر کمال
۴۲	نبود زهد، ریشه ناکامی در مسیر کمال
۴۴	مراتب زهد فی الدنيا
۴۴	مرتبه اول؛ اعراض از محرمات و انجام واجبات
۴۵	مرتبه دوم؛ اعراض از مشتبهات
۴۶	مرتبه سوم؛ اعراض از مشتهیات و لذات
۴۷	مرتبه چهارم؛ اعراض از غیر خدا
۴۹	آثار زهد در دنیا
۵۰	جوشش حکمت از قلب انسان
۵۳	افزایش بصیرت انسان
۵۴	سلامت در خروج از دنیا
۵۵	حقیر شدن مصائب در نگاه انسان
۵۷	عفت، زاییده زهد
۵۷	حیثیت زنانه و عفت زنان
۵۷	جلوه‌ای از عفت امام موسی کاظم
۷۱	زهد عامل وحدت‌بخش
۷۲	رونق اقتصادی
۷۳	قانون‌گرایی

گسترش انصاف در جامعه	۷۵
افزایش همدلی و همدردی	۷۷
آثار زهد در آخرت	۷۸
امنیت در حسابرسی قیامت	۷۸
اعطای کلید بهشت به اهل زهد	۸۱
اوصاف زاهدین	۸۳
زهد، ویژگی مشترک منجیان	۸۶
زهد نبوی	۸۹
زهد علوی	۹۲
زهد فاطمی	۹۶
راز برتری و سروری حضرت زهرا در میان زنان بهشتی	۹۶
زهد، مبنای ازدواج حضرت زهرا	۹۸
جلوه‌هایی از زهد در خانه اصحاب کساء	۹۹
راز گریه‌های ناتمام حضرت زهرا در سوگ پیامبر	۱۰۲
راز بارگاه نداشتن حضرت زهرا در این دنیا	۱۰۳
تجلی زهد حضرت زهرا علیها السلام در قیامت	۱۱۰
زهد، گوهری در دسترس	۱۱۴

مقدمه

«مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ»^۱؛ از آنجا که مقصد نهایی انسان ذات احدیت است و در نقطه نهایی و کمال انسان هیچ دو یا چندگانگی قابل تصور نیست، رسیدن به این نقطه با دل پراکنده‌ای که میلش به سمت این و آن باشد ممکن نیست.

قلبی قابلیت وصول به ذات یگانه او را پیدا می‌کند که نظرش فقط به او بوده و از توجه به هر چیزی غیر او منصرف باشد. هر چند رسیدن به این حالت در دنیای رنگارنگ فریب‌کاری که خود را هر روز به شکل جذاب‌تر از دیروز بر دل انسان عرضه می‌کند به قدری سخت است که در عمل، اکثریت مردم توان رسیدن به آن نقطه مطلوب نهایی را از دست می‌دهند، اما خدای کریم اسبابی را برای

۱. احزاب، ۳۱. «خداوند برای هیچ انسانی در درونش دو دل ننهاده است».

تحقق این امر در اختیار بشر قرار داده که در صورت تمسک به آنها، راه وصول به توحید برای او هموار و میسر خواهد شد. بی‌رغبتی یا همان زهد به دنیا با مراتبش، اصلی‌ترین راه برای یکرنگ ساختن دل در سیر قرب الی‌الله است. گرچه همه نعمت‌های الهی هدایای خدا به بشر هستند؛ اما بالاترین هدیه او به بندگان زهد و روحیه بی‌رغبتی نسبت به همین دنیا و مادیات است.

بهترین راه درک معنای زهد رجوع به مسیر زاهدترین انسان‌های تمام اعصار یعنی اهل بیت علیهم‌السلام و الگوگیری از زندگی این بزرگواران است. زهد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فاطمه زهرا علیها‌السلام و اهل بیت عصمت علیهم‌السلام عالی‌ترین درجات زهد، و سیره آنها مملو از نمونه‌های عملی پیاده‌سازی زهد در زندگی آن بزرگواران است. زهد و بی‌رغبتی فاطمه علیها‌السلام به خصوص آنجا که می‌فرماید هیچ حاجتی جز نظر به جمال حضرت حق ندارم، عالی‌ترین نمونه زهد و بی‌رغبتی نسبت به غیر خدا را در معرض دید ما قرار می‌دهد.

توسل و تمسک به مقام نورانی و معنوی این حضرات برای طالبان این مسیر بسیار راهگشا و کارگشاست. البته توجه به این نکته هم ضروری است که از مهمترین مراتب توسل و تمسک توجه و مطالعه سیره و زندگانی این حضرات و سعی در الگوگیری و پیاده‌سازی آموزه‌های زندگانی آنها در متن زندگی ما است.

کتاب حاضر که پیاده شده سلسله جلسات سخنرانی استاد محترم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر وزیری فرد در باب زهد در سیره عملی حضرت زهرا علیها‌السلام است، با تلاش دوستان

محترم پیاده و به شکل کتابی وزین در آمده است که مطالعه آن برای طالبان طریق حق و سالکان الی الله بسیار مفید خواهد بود
إن شاء الله.

از همه دوستان عزیزی که در پیاده سازی، تدوین و نگارش این اثر یاریگر ما بودند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری کرده و برای همه ایشان آرزوی موفقیت، سلامتی، طول عمر و دستیابی به همه کمالات را از درگاه حضرت حق تعالی داریم.

انتشارات رسم وفا

توجه به جایگاه انسان در میان موجودات

خدای تبارک و تعالی موجودات را در مراتب مختلف خلق کرده است به طوری که بعضی از آنها ابزار و بستر کمال دیگران هستند. جمادات، گیاهان، حیوانات و انسان با صرف نظر از بقیه مراتب و سایر عوالم، چهار مرتبه شناخته شده در موجودات خاکی هستند. این چهار مرتبه با هم مساوی نیستند؛ بلکه مراتب پایین تر برای مراتب بالاتر خلق شده اند. این رابطه هم یک طرفه است و برعکس نمی شود.

گیاه، سیر خودش را از درون خاک شروع می کند و بهره اش را از آن می گیرد تا رشد کند؛ گویا خاک آفریده شده است تا گیاه رشد کند و وقتی گیاهان رشد کرده، دارای شاخ و برگ و میوه شدند، حیوانات از آنها تغذیه می کنند به این ترتیب گیاهان وسیله و ابزاری برای کمال مقدر شده آنها هستند. برخی حیوانات هم مناسب خورد و خوراک انسان ها، و بعضی دیگر برای پوشاک، باربری

و امور دیگر استفاده می‌شوند و به این صورت، ابزاری برای کمال انسان هستند.^۱

البته در بسیاری موارد، مراتب بالاتر به مرتبه پایین‌تر کمک می‌کند؛ ولی این کمک کردن این‌گونه نیست که مراتب بالاتر فدای مراتب پایین‌تر شوند؛ که مثلاً گیاه فدای رشد جماد شود یا حیوان فدای رشد گیاه شود و یا انسان فدای رشد حیوان شود. بلکه همواره این سیر، برعکس می‌باشد و وقتی این‌گونه بود هر مرحله‌ای قطعاً از همه مراتب پایین‌تر از خودش بهره می‌برد؛ یعنی انسان که بالاترین مرتبه است، از سه مرتبه حیوان، گیاه و جماد بهره‌مند می‌شود.

معقول نیست که این جریان بهره‌وری برعکس شود؛ یعنی انسان خودش را در خدمت مراتب پایین‌تر قرار دهد و جایگاه خودش را فراموش کند و به جای اینکه بقیه ابزاری برای انسان باشند، انسان فدای آنها شود؛ به طوری که گویا آنها هدف هستند و انسان در مرتبه پایین‌تریست. در هیچ‌یک از نظام‌های فکری پسندیده نیست که مرتبه بالا فدای مرتبه پایین شود.

چنان‌که درون هر مرتبه هم همین‌طور است؛ مثلاً در مرتبه انسانی، آنها که در مرتبه بالاتر هستند نباید فدای آنهایی شوند که در مرتبه پایین‌تر قرار دارند؛ بلکه بقیه ابزار رشد او هستند. گویا

۱. نحل، آیات ۵-۸. «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ، وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرْجَوْنَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ، وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بِالْغِيَةِ إِلَّا بِشَقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرؤُوفٌ رَّحِيمٌ، وَالْخَيْلَ وَالْإِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ».

برخی مقصود بالذات از خلقت هستند و برخی مقصود بالعرض. آنهایی که مقصود فرعی اند هم کار و تلاش و رشد می کنند؛ اما مقصود اصلی نیستند و هدف اصلی خلقت چیز دیگری است. مقصود بالذات از خلقت، انسان هایی هستند که همه مراتب کمال را درک می کنند، و بقیه انسان ها مقصود بالعرض اند؛ اگرچه در نگاه کلی، انسان ها نسبت به سایر موجودات و مراتب خلقت مقصود بالذات هستند ولی در مقایسه با انسان کامل، مقصود بالعرض اند. گفت: «صد خار آب می خورد تا یک گل بروید»؛ خارها هم آب می خورند ولی مقصود این است که یک گل به وجود بیاید. البته در اینجا توجه به این نکته لازم است که رسیدن به جایی که انسان مقصود بالذات از خلقت یا بالعرض از خلقت باشد تا حدود زیادی در اختیار خود انسان ها هم هست؛ به این شکل که وقتی انسان با اراده خود به سمت کمال حرکت می کند خود را در زمره مقصودین بالذات از خلقت قرار داده است و وقتی به سمت فساد و تباهی حرکت می کند خود را در زمره مقصودین بالعرض قرار داده است.

انسان باید زندگی و رفتارهایش را با توجه به مراتب نظام خلقت تنظیم کند؛ یعنی وقتی مسلّم شد که سه مرتبه جماد، گیاه و حیوان پایین تر از نوع انسان هستند، نباید مراتب پایین تر را هدف زندگی خود قرار دهد؛ بلکه باید افراد برتر نوع بشر را در نظر بگیرد و هدفش رسیدن به آنها باشد. بعد از این هم هدف بالاتری هست که خدای تعالی برای انسان مقدر و مقرر فرموده است.

جمع نشدن دلبستگی به دنیا با اشتغال به آخرت

دنیا در نظر قرآن لهو و لعب است؛^۱ اما قیامت شوخی بردار نیست؛ به طوری که در توصیف آن می فرماید: «يَوْمَ تَرَوْنها تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ»؛^۲ در آن روز مادرانی که بچه شیر می دهند، بچه هایشان را از هول عذاب فراموش می کنند؛ بس که عذاب شدید است. از سویی نعمت ها هم غیر قابل تصور و فراتر از درک مادی ماست؛ این گونه نیست که یک روز باشد و یک روز نباشد، یا مزه مختصری داشته باشد یا انسان را فقط سرگرم کند.

لهو و لعب بودن دنیا دارای مراتب مختلفی است. گاهی بچه ها در بازی های خود سر چیزهای بی ارزشی دعوا می کنند و بزرگ ترها که نگاه می کنند خنده شان می گیرد؛ اما این بزرگ ترها هم مشغول بازی های خودشان هستند؛ فقط بازیچه هایشان فرق

۱. انعام، آیه ۳۲. «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ».

۲. حج، آیه ۲.

می‌کند و مرتبه دیگری از لهو و لعب است. از این رو، گفته‌اند هر چه در این دنیا هست بازیچه است؛ «إِنَّمَا الدُّنْيَا لَهْوٌ وَلَعِبٌ»^۱. فقط شکش متفاوت، و میدانش کمی بزرگ‌تر، و قوانین و مقرراتش کمی سختگیرانه‌تر می‌شود؛ و گرنه بازی همان بازی است؛ گرچه بازیگران در ظاهر بزرگ شوند و به هفتادسالگی برسند. همان‌گونه که ما بچه‌ها را در حال بازی نگاه می‌کنیم، ملائکه هم ما را تماشا می‌کنند، و همان‌طور که ما به دعوی بچه‌ها در بازی‌هایشان می‌خندیم، اهل آسمان هم به رفتارها و دعوای ما بر سر دنیا می‌خندند.

این دنیای لهو و لعب با عرصه جدی مرگ، قبر، حشر، حساب، کتاب، مجازات، هول و هراس قیامت، و نعمت‌های معنوی همچون لقای حضرت حق قابل جمع نیست. در همین دنیا دو کار را که یکی از آنها لهو و دیگری جدی‌تر باشد، نمی‌توان باهم جمع کرد. باین حال چطور می‌شود دنیا و زینت‌ها و دردسرهایش را با محبت خدا در یک دل جمع کرد؟ این شدنی نیست.

گاهی بچه‌ای را که مشغول بازی است صدا می‌زنیم و کار مهمی با او داریم؛ اما او گوش نمی‌دهد. سرگرم بازی است. هر چه صدا می‌زنیم: «بیا غذایت را بخور» یا «بیا مشقت را بنویس» آن قدر مشغول بازی است که متوجه نمی‌شود.

وقتی ما مشغول دنیا و لهو و لعب آن هستیم، هر چه صدایمان بزنند نمی‌شنویم. صدای چه کسی را نمی‌شنویم؟ صدای بزرگان،

۱. غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۱۷.

صدای ملائکه، صدای آنها که از این دنیا رفتند و چیزی با خود نبردند و از عالم خاک طرفی نبستند. همه اینها می گویند: «این لهُو و لعب را رها کنید». مگر ملائکه شب هنگام نمی آیند و بندگان را صدا نمی زنند که بیدار شوید، خدای مهربان منتظر شماست که بیاید و استغفار کنید.

استغفار همیشه از گناه نیست؛ بلکه از دلدادگی به دنیا، غفلت از عقبی، و غفلت از خدای متعال و از فراموش کردن دیدار حضرت حق هم باید استغفار کرد. ملائکه ما را دعوت می کنند؛ ولی ما گوش نمی دهیم. روز که سرگرم هستیم، شب هم به سبب غفلت های روز و لهُو و لعب آن، غرق در خوابیم. این گونه است که اشتغال به دنیا با آخرت جمع شدنی نیست.